

میدان مبارزه کجاست؟



انسان در امتداد زمان زندگی می‌کند، حرکت نمودن لازمه زندگی آن بوده و توانمندی ضرورتی برای بقاء و دفاع آن می‌باشد. انسان‌ها در طول تاریخ -در آن عصری که بقاء بیشتر به اسباب و وسایل وابسته نبود- جهت تهاجم، زور آزمایی و ادامه حیات خویش خود را با سلاح قوت و نیرومندی فیزیکی آماده می‌ساختند. در عصری که جنگ از عقب دستگاه‌ها کنترل نمی‌شد باید زور بازو سرنوشت‌ساز می‌بود. همین بود که آهسته آهسته حرکات و بخش‌های مختلف رزمی بوجود آمد. این هنر و حرکات در عصرها و جوامع مختلف بشکل متفاوت آن ظاهر می‌گشت؛ گاهی در چهره گلاادیاتورها و لذت از برده‌جنگی، گاهی برای تأثیرات روانی و قدرت نمایی یک قوم یا یک لشکر؛ گاهی در چهره یوگا در دین مثل هندوییزم...؛ و اینک امروز سرمایه‌داری که اساس همه امور را به منفعت و مصلحت استوار کرده است شاهد این واقعیت هستیم که ورزش در پهلوی جنبه فرهنگی، تفریحی و صحتی، چهره سیاسی و اقتصادی آن بیشتر و برجسته‌تر به چشم می‌خورد.

درین روزها "مبارزه آزاد" حبیب داغستانی که با شکست مگگریگور ایرلندی تمام شد بیشتر فضا گیر شده و موقف‌های متفاوتی در قبال آن گرفته شد. اگرچه این‌گونه مبارزات دارای اساس مادی و پولی می‌باشد اما باز هم از حبیب داغستانی می‌شود منحنی یک فرد مسلمان با صفات و احساس موجود در آن قدردانی نموده و احساسات موجود در مسلمانان جهان را به نیکی یاد کرد که با هم‌صدایی و ابراز حرف‌های دنیای درون خویش ظاهر نمودند که هیچ‌نوع از محدودیت‌های مرزی و قومی میان احساسات مشترک مسلمانان جهان دیوار شده نمی‌تواند. و اینرا واضح می‌سازد که در هر میدانی مسلمانان هیچ نوع خضوع را در مقابل غرور و گردن فرازی های طرف مقابل قبول ندارند.

موضوع قابل بحث را از اینجا باید آغاز کرد؛ تدین و احساسات مربوط به آن در هر فردی به پیمانه‌های متفاوت آن وجود دارد که در حالات متفاوتی می‌تواند ظاهر شود و باید هم که ظاهر شود. در میادین ورزش کسانی هستند که سخنان خویش را با بسم الله آغاز می‌کنند، کسی در میدان ورزش سر به سجده نهاده و کسی نماز را اقامه می‌کند. کسی در اوج احساسات دستان خویش را بطرف آسمان نموده طلب دعا می‌نماید. کسی هم تمثیل‌کننده اخلاق و رعایت‌کننده سنت‌های هم‌چو ریش است و کسانی هستند که از نصب مارک‌های مشروبات الکولی به پیراهن ورزشی خویش امتناع می‌ورزند... اینها از لازمه‌های یک فرد مؤمن بوده که در هر میدانی باید آنرا مراعات نماید و حبیب هم از جمله همین افراد می‌باشد و بس.

اما سوالی اساسی اینجاست که: **آیا مسلمان بودن لازمه پیروزیست؟** این نوع ذهنیت از ذهنیت‌های عام جامعه می‌باشد؛ همین‌که گرویدن به اسلام، مفاهیم و احکام آن آنرا مساوی به زندگی پُر از سعادت مادی، راحتی، آسودگی و به دور از هر نوع مصائب و حوادث بد روزگار می‌دانند. و همین‌گونه اخلاص و چنگزدن به اسلام را لازمه نتیجه مثبت و پیروزی در میدان‌های متفاوت زندگی تعریف می‌کنند؛ در حالیکه تاریخ بشریت، مفهوم اسلام و هدف زندگی این همه را به چالش می‌کشد. این‌که حبیب یک مسلمان مبارز است و باید که پیروز شود و یا این‌که اگر حبیب پیروز گشت اسلام حقّ است؛ این همه از باورهای نادرستی می‌باشد که بسیاری از مردم با خود حمل می‌کنند. پس باید دانست که پیروزی حبیب به اثبات حقانیت اسلام هیچ ارتباطی ندارد همان‌گونه که اگر آن فرد ایرلندی پیروز می‌گشت به معنی حقانیت کفر پنداشته نمی‌شد.

الله سبحانه و تعالی بر حوادث و نتایج حاکم بوده و آنرا به اساس اراده خویش رقم می‌زند. الله سبحانه و تعالی هدف زندگی را ابتلاء و آزمایش مقرر نموده و ابتلاء مؤمن را مشکل‌تر از همه تعریف نموده است. اسلام برای حقانیت خویش به زبان و معیار دیگری حرف می‌زند و هیچ‌گامی درست بودن خویش را موکول به نتیجه و زمان نمی‌داند و الله سبحانه و تعالی نیز هیچ‌گاهی این چنین تضمینی را در قبال گرویدگان حقّ ننموده است. الله سبحانه و تعالی سعادت و پیروز یک مؤمن را همان رضایت خویش و داخل شدن به جنت می‌داند و مؤمن باید بداند که اینست همان وعده الهی و همین است از بزرگترین پیروزی‌ها.

اما نکته مهم چیست؛ همین است که بعضی از جوانان ما از فرط احساسات خویش، مبارزه حق و میدان مبارزه را اشتباه می‌گیرند. همین‌که یک مسلمان در میدان سرگرمی ظاهر شده و به پیروزی مسابقه می‌اندیشد، به ذهن آنها چنین تصویرنمایی می‌شود که همین است میدان حقّ و چنین است منهج مبارزه با باطل. شاید مفهوم مبارزه در اذهان ما بسیار بشکل وسیع آن جاگرفته است؛ که درین مورد باید گفت؛ وقتی سخن از مبارزه زده می‌شود هدف همان پرخاشگری، نزاع و کشمکش‌های فیزیکی روی سرک و داخل قفس نیست. بلکه **میدان مبارزه همانا میدان افکار و ایدئولوژی‌هاست** که نخست از همه حق و باطل یکدیگر را در همین جغرافیا به چالش می‌کشند و برای مسلمانان این میدان هیچ‌گاه خالی از انگیزه، اصول و قواعد نمی‌باشد.

اسلام یک برنامه مکمل زندگی بوده که مسلمانان را مکلف به حاکم نمودن آن با در نظرگیری فکر و طریقه اسلامی می‌داند. اسلام میدان، اهداف و روش‌های واضحی را برای قایم نمودن، تطبیق و حمل اسلام بیان نموده و مرزهای مشخصی را در مبارزه میان حقّ و باطل ترسیم نموده است. برای کسانی که این مسأله خیره می‌نماید باید بدانند که حقّ و باطل همانا اسلام و کفر میباشد که بشکل سازمان یافته در مقابل هم ایستاده اند؛ و **اسلام برای این مبارزه میدان و معیارهای واضحی را مشخص نموده است.** امروز همه‌ی مسلمان‌ها مکلف اند تا منحیث مبارزین شجاع و سدید درین میدان ظاهر شده و درین جنگ ایدئولوژی‌ها خود را مسلح به فکر اسلامی و نهوض فکری نمایند تا باشد که با قایم نمودن خلافت اسلامی درین چالش، پایدار و پیروز بدرآماده و از شور و شوق تکلیف خویش، به استعمار سرزمین‌های اسلامی خاتمه بخشیده، استکبار شرق و غرب را درهم کوبیده و اسلام را با دعوت و جهاد برای جهانیان حمل کنند.

یوسف ارسلان